

# بررسی عناصر داستان در «واهمه‌های بینام و نشان» اثر غلامحسین ساعدی

مریم قنبری\*، 83،

1395-6-27

داستان از دیرباز دنیایی مجازی برای انسان بوده که افکار، اندیشه‌ها و ماجراهای ذهنی خود را در آن بازتاب داده است که دارای عناصر و سازهایی هستند و بنیان اصلی آن را تشکیل می‌دهند. به مجموعه‌ی عوامل سازنده‌ی داستانها، عناصر داستان اطلاق میشود که هر یک به‌تنهایی قابل بررسی و مطالعه هستند اما با کنارهم قرارگیری این عناصر است که داستان شکل می‌گیرد. ساعدی از جمله نویسندگان صاحب سبک در ادبیات داستانی به شمار رفته و مجموعه داستانی «واهمه‌های بینام و نشان» او براساس سبک رئالیسم جادویی نوشته شده و سرمنشقی برای دیگر نویسندگان این حیطه شده است. هدف این پژوهش شناخت سبک و شیوه‌های بهره‌گیری غلامحسین ساعدی از عناصر داستان در مجموعه‌ی «واهمه‌های بینام و نشان» است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاصل نشان داد که ساعدی از شخصیت‌هایی استفاده کرده که اغلب برای مخاطب ملموس و واقعی بودند زیرا سبک اصلی ساعدی پیروی از رئالیسم است و در برخی از داستانهای او سبک رئالیسم جادویی دیده میشود. شخصیت‌های داستان او اغلب ایستا هستند و پیرنگ داستانهای این مجموعه همه از نوع پیرنگ بسته است. زاویهی دید داستانهای ساعدی در این مجموعه بیشتر دانای کل بوده و تنها در دو داستان از زاویهی دید اول شخص بهره برده است. لحنهای مختلفی که ساعدی در خلال گفتوگوها استفاده کرده، نشان از تبحر و تسلط ساعدی در ایجاد مکالماتی است که برای پرداخت واقعی شخصیتها برای مخاطب است. او از هر دو شیوهی شخصیت‌پردازیهای غیرمستقیم و مستقیم در این مجموعه استفاده کرده و با توصیف به ایجاد صحنه و فضای داستان پرداخته است.

کلمات کلیدی : واژه‌های کلیدی: داستان، عناصر داستان، داستان کوتاه، واهمه‌های بی نام و نشان، شخصیت، صحنه.